

## بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه؛ از الزامات

### «فناوری پایه» تا اقتضانات «انرژی محور»

علی اکبر جعفری<sup>۱</sup>

روح الله تقی نژاد<sup>۲</sup>

روابط سیصد سال گذشته دو کشور ایران و روسیه همواره تابع شرایط رقابتی بوده است. این رقابت، چه در حوزه‌های سرزمینی و چه در حوزه معادلات ژئوپلیتیک و اخیراً نیز در حوزه انرژی (گاز) مشهود است. نوشتار حاضر سعی در بررسی ابعاد گوناگون روابط دو کشور ایران و روسیه دارد؛ همچنین این مقاله درصدد کاستن جایگاه و نقش الزامات فناوری در سطوح تحلیل نیست و به همین روی، با استدلال‌هایی که می‌آورد به برجستگی این گزاره به ویژه در زمینه نیازهای فنی ایران در زمینه انرژی هسته‌ای صحنه می‌گذارد. پژوهش حاضر در پی آن است تا بسترهای نو پدید در مورد نیازهای روزافزون دو کشور در زمینه رشد اقتصادی، نیاز به انرژی و همچنین نیازهای مالی به درآمدهای برآمده از آن را به کنکاش بپردازد. امری که با همگامی و همکاری‌های هر چه بیشتر و ناگزیر دو کشور می‌تواند آثار امنیتی، اقتصادی و راهبردی شایانی را در پهنه سیاست بین‌الملل به بار آورد.

در همین راستا بایسته‌های روابط دو کشور را در دو دسته:

الف) الزامات بر پایه نیازهای فناوری - دفاعی و نیز؛ ب) الزامات جدید: بایسته‌های انرژی محور؛ مورد کنکاش قرار می‌دهیم که مورد اخیر، خود در دو بخش الزامات انرژی محور فناوری (هسته‌ای) و همچنین، الزامات انرژی محور در حوزه نفت و گاز از هم قابل تمیز هستند.

**واژگان کلیدی:** فناوری هسته‌ای، تسلیحات دفاعی، روابط جمهوری اسلامی ایران و

فدراسیون روسیه.

Email: a.jafari@umz.ac.ir

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

<sup>۲</sup> دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: roholl@rocketmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۶

## مقدمه

بررسی روابط ایران با روسیه با توجه به بحران هسته‌ای ایران و برخی موضوعات دیگر، سبب گردید، این روزها در محافل مختلف بحث‌هایی را برانگیخته و افکار متفاوتی را در ذهن‌ها متبادر نماید. اگرچه روسیه روابط خصومت‌آمیزی دیرینه‌ای با ایران داشت و حتی بخش‌هایی از سرزمین ایران به اشغال آن کشور درآمد؛ اما در این اواخر، شرایطی پیش آمده است که به نظر می‌رسد، همراهی با روسیه برای ایران ضروری است.

روسیه جدید به مرزهای قرن هفدهم بازگشته و هویت نوینی را تجربه می‌کند و در سال‌های گذشته، نزدیکی با روسیه باعث شد تا بازار جهانی نفت قوام بیشتری یابد و البته در کنار آن با همراهی برخی کشورهای دیگر سازمانی که به اوپک گازی مشهور شده است، تاسیس گردید. این دو کشور، بر روی هم تقریباً ۵۰ درصد ذخایر گاز ثابت شده در جهان را کنترل می‌کنند و این ظرفیت را دارند که درصد مزبور را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. آمریکا و اروپا به دلایل اهمیت دادن به زیست‌بوم و امنیت انرژی، بیش از پیش به واردات گاز طبیعی وابسته می‌گردند و از آنجا که سده بیست و یکم، سده انرژی پاک است در آینده برای گاز صادراتی روسیه و ایران به رقابت با یکدیگر خواهند پرداخت.<sup>۱</sup>

روابط دو جانبه ایران و روسیه از تاریخچه‌ای طولانی از همکاری در خصوص موضوعات مورد علاقه مشترک برخوردار است و به طور غیرمستقیم در نتیجه سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در حال تقویت نیز می‌باشد.

نوشتار در پیش روی، سعی در یافتن پاسخ به این پرسش دارد، جایگاه و نقش «انرژی» در مقایسه با نیازهای فناوری، در تحکیم و افزایش روابط میان دو کشور ایران و روسیه چیست؟

فرضیه فراروی پژوهش، این است که هم اینک و به ویژه در آینده، عمده‌ترین مسأله‌ای که نزدیکی ایران و روسیه را ایجاب می‌کند، بیش‌تر از آنکه نیازهای فناوری در زمینه مسایل دفاعی باشد، مسئله انرژی و اقتضات آن است.

<sup>۱</sup> . سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهان ۲۱٪ است. سهم نفت خام ۳۵٪، ذغال سنگ ۲۹٪، انرژی‌های برق-آبی ۷٪ و انرژی هسته‌ای ۵٪ می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۳۵ میلادی سهم گاز طبیعی به ۲۵٪ افزایش یابد. مراجعه به: [www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)

در یک نگاه؛ الزامات روابط فی‌مابین را می‌توان به دو دسته الزامات فناوری- دفاعی و الزامات انرژی‌محور تقسیم‌بندی نمود که این مورد اخیر خود به دو دسته الزامات در بستر انرژی هسته‌ای و نیز، اقتضائات در زمینه همکاری نفت و گاز قابل تفکیک هستند. پیش‌تر، این گزاره را می‌بایست یادآور شد که ما در این پژوهش، برخلاف ادعاهای مراجع رسمی، رسانه‌ای و یا آکادمیک غربی که همکاری‌های هسته‌ای دو کشور را در چارچوب همکاری‌های نظامی برمی‌شمرند؛ روابط هسته‌ای دو کشور را در چارچوب نیازهای فناوری، آن هم در زمینه انرژی و نه دفاعی، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### چارچوب نظری

در ارتباط با تحلیل روابط ایران و روسیه از منظر تنها یکی از رهیافت‌های اصلی در روابط بین‌الملل، کاری مفیدتر و روشن‌تر خواهد بود؛ لیکن به جهت بهره‌مندی همه جانبه‌تر در مورد موضوع پژوهش و دستیابی به دستاوردهای علمی‌تر و نیز با عنایت به هدف تحقیق که در گستره‌ی «منافع ملی» و «امنیت ملی» خواهد بود، از دستمایه دو نظریه نئوواقع‌گرایی (برای تبیین امنیت ملی) و نئولیبرالیسم (برای تحلیل منافع ملی دو کشور) بهره خواهیم گرفت.

از منظر رهیافت واقع‌گرایی، از کنت والتز<sup>۱</sup> تا نظریه‌پردازان دیگر که به این رابطه (ایران و روسیه) پرداخته‌اند؛ باید اذعان داشت که این نظریه‌پردازان در نگاه نظری به دوره پس از جنگ سرد به رابطه ایران و روسیه اشاره می‌کنند. والتز در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۰ همچنان با تأکید بر مفهوم سنتی موازنه، روسیه و چین را به عنوان قدرت‌هایی که در مسیر حرکت نظام تک قطبی به چندقطبی یکی از وزنه‌های مقابل آمریکا هستند، مورد توجه قرار می‌دهد. فرض والتز این است که رفتارهای یک‌جانبه آمریکا کشورهایی مانند روسیه، چین و در نتیجه ایران را به سمت همکاری با یکدیگر سوق می‌دهد. والتز در تحلیلی که از فرایند شکل‌گیری موازنه قدرت جدید پس از جنگ سرد ارائه می‌کند، عمدتاً مفهوم سنتی موازنه یا موازنه سخت را که عمدتاً بر ایجاد تأسیسات نظامی، اتحادهای نظامی، انتقال فناوری نظامی و موارد مشابه تأکید دارد، مدنظر قرار می‌دهد در حالی که در دوره پس از جنگ سرد چنین تلاش‌هایی بیشتر از جانب خود آمریکا و نه از جانب سایر قدرت‌های بزرگ به ویژه چین و

<sup>۱</sup> . Kenneth Waltz

روسیه، دنبال شده است. در این دوره به رغم روابط گسترده روسیه و چین، هنوز هیچ تلاشی که بیانگر تمایل جدی دو کشور برای ایجاد یک بلوک متقابل باشد، مشاهده نمی‌شود. روسیه و چین حتی در برابر اینکه سازمان همکاری شانگهای به عنوان وزنه‌ای در مقابل ناتو تلقی شود، مقاومت می‌کنند.

استفن والت<sup>۱</sup> (به همراه پائول<sup>۲</sup>، دانیل پیپ<sup>۳</sup>) جهت تطبیق بیشتر واقع‌گرایی با شرایط موجود جهانی، تلاش کردند تا تعریف وسیع‌تری از مفهوم موازنه قدرت ارائه کنند. به باور اینان، قدرت‌های بزرگ پس از جنگ سرد شکل جدیدی از توازن بخشی را دنبال می‌کنند که همانند گذشته مبتنی بر تلاش‌های سخت‌افزاری نیست. والت از طریق بازسازی مفهوم موازنه و تبدیل آن از موازنه سخت به موازنه نرم تلاش می‌کند تا بگوید چگونه با وجود برتری بی‌چون و چرای آمریکا در جهان هنوز تلاش برای ایجاد موازنه در چارچوب مفهوم موازنه نرم می‌تواند معنا و مفهوم داشته باشد. والت دلایل مختلفی را برای تایید ادعای خود ارائه می‌کند، اما آنچه که به موضوع روسیه و روابط این کشور با ایران مربوط می‌شود، این است که به اعتقاد والت علاقه‌مندی روسیه به همکاری با ایران در کنار کوشش‌های دیگری همچون همکاری‌های استراتژیک روسیه و چین، بخشی از تلاش‌های هر سه کشور برای ایجاد موازنه نرم در برابر قدرت فراگیر آمریکا است (شوری، ۱۳۸۸: www.csr.ir).

برخلاف والتز و سایر واقع‌گراها، به باور جان میرشایمر<sup>۴</sup> رفتار ایران در قبال روسیه با توجه به اینکه در فضای گسترش همزونی منطقه‌ای این کشور قرار دارد، علی‌القاعده باید با یکی از دو گزینه استراتژیک «دنباله‌روی» و یا «ایجاد موازنه» توضیح داده شود. در این تعریف، ایران یا نقش دنباله‌رو روسیه را ایفا می‌کند و یا اینکه باید از طریق برقراری پیوندهای استراتژیک با یک قدرت موازنه‌گر خارج از منطقه به ایجاد موازنه در برابر این کشور بپردازد. موضوعی که با واقعیت‌های روابط ایران و روسیه تطابق چندانی ندارد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> . Stephen Martin Walt

<sup>۲</sup> . Ron Paul

<sup>۳</sup> . Daniel Pip

<sup>۴</sup> . John J. Mearsheimer

<sup>۵</sup> . والتز در شماره ای از مجله Foreign Affairs در مقاله‌ای با عنوان «Why Iran Should Get the Bomb?» با طرح دیدگاه خود (که مورد تأیید و جانبداری میرشایمر نیز قرار گرفت) به ایران حق داده است که برای برقراری موازنه قوا در خاورمیانه، مجاز به دارا بودن سلاح هسته‌ای است و یک ایران هسته‌ای، نه تنها خطری برای امنیت منطقه و جهان نیست، بلکه عامل ثبات خواهد بود.

نظریه‌های نظریه‌پردازان واقع‌گرایی از سوی برخی تحلیلگران لیبرال به ویژه در ارتباط با موضوع روابط ایران و روسیه، با انتقادات جدی مواجه شده است. بروکز و آرنولد ولفرز<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با نقد مفهوم موازنه نرم استدلال می‌کنند که چرا همکاری‌ها میان ایران و روسیه را نباید به حساب تلاش برای ایجاد موازنه گذاشت. به گفته ایشان روسیه دلایل زیادی، جدا از ایجاد موازنه در برابر آمریکا، برای برقراری روابط خوب با ایران دارد. این دلایل عمدتاً از طریق دو مفهوم منافع اقتصادی و امنیت منطقه‌ای توضیح داده می‌شود. نقد ایشان به مفهوم موازنه نرم نیز با وجود اینکه در کل تأمل برانگیز و مستند به شواهد تاریخی است، اما استدلال‌های متقابلی که این دو در مورد روابط ایران و روسیه مطرح می‌کنند نیز قابل استناد به تمامی ابعاد روابط دو کشور نیست. مفاهیم «منافع اقتصادی» و «امنیت منطقه‌ای» نیز به همان اندازه مفهوم موازنه نرم، می‌تواند بر مبنای شواهد تاریخی مورد چالش قرار بگیرد.

### نگاهی به روابط سه دهه اخیر جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه

در چند دهه گذشته، شاهد برآمدن انقلاب اسلامی در ایران بودیم و هم عزم راسخ روسیه برای برون‌رفت از سامانه لنینی-استالینی و فرو ریختن رژیم نظامی-ایدئولوژیک در اتحاد جماهیر شوروی بوده‌ایم (Ayoob, 2002:10-17). روسیه پس از فروپاشی و در جستجوی بازبانی هویت تاریخی و تعیین الگوی چیره در سیاست خارجی، اعتبار درخوری را به ویژه پس از برآمدن و چیرگی رویکرد اوراسیاگرایی در اواخر دهه ۹۰ و یا رویکرد عملگرایی ملی<sup>۲</sup> به کشورهای پیرامون قائل گردید. در برابر جمهوری اسلامی ایران نیز با

<sup>۱</sup> . Arnold Wolferz

<sup>۲</sup> . سه رویکرد سیاست خارجی روسیه عبارت هستند از: رویکرد آتلانتیک‌گرایان که طرفدار سرسخت مشارکت راهبردی با آمریکا است و منافع ملموس برآمده از پیوند با غرب را برجسته می‌نمایند. اینان تهدید اصلی امنیتی را نه آمریکا، بلکه رشد اسلام‌گرایی در مرزهای جنوبی خویش می‌دانند. رویکرد دوم، رویکرد قدرتمند نئو اوراسیاگرایان هستند که در مقابل دیدگاه پیشین، دخالت آمریکا در مسایل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را نمی‌پسندند و برقراری روابط نزدیک با کشورهایی چون چین و ایران را پیشنهاد می‌کنند. با نفوذترین گروه و رویکرد در تنظیم سیاست خارجی روسیه به ویژه پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، برداشت عمل‌گرایان ملی‌گراست که برتری آمریکا در سیاست بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسند، اما بر این باور هستند که روسیه حق اعمال اراده در حوزه نفوذ خود را داراست. اهرم سیاسی این کشور هم بجای نیروی نظامی، می‌بایست وابستگی اقتصادی کشورهای خارج نزدیک باشد. اینان به جای تعصبات ایدئولوژیک، اعتبار زیادی را برای منافع اقتصادی قائل می‌باشند (منافع ملی بجای منافع ایدئولوژیک) و به حفظ روابط کم‌تنش با غرب و تداوم همکاری با کشورهایی چون ایران و چین می‌اندیشند.

استمرار سیاست های خصمانه غرب؛ گزینه گسترش روابط با روسیه را چونان گزینه‌ی راهبردی در سیاستگذاری و اجرای سیاست خارجی خود در نظر گرفت. دستاورد این همخوانی برقراری پیوندهای چند جانبه میان دو کشور بوده است.

دوره جدید روابط ایران و روسیه با سفر آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت ایران در ژوئن ۱۹۸۹ آغاز گردید که منجر به توافق های مهمی بین دو کشور شد. در همان ایام مساله رژیم حقوقی دریاچه خزر و تقسیم آن به ۵ قسمت (به جای دو قسمت ایران و شوروی) از دل روابط ایران و وراثان اتحاد جماهیر شوروی سر برآورد و ایران در ابتکاری دیپلماتیک در ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ چهار حاشیه‌نشین دیگر دریاچه (روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) را به امضای پیش‌نویس تفاهم‌نامه‌ای فراخواند تا بر اساس گفته علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت وضعیت ژئوپلیتیک این منطقه را بهتر اداره کند؛

تاکنون از سوی کشورهای ساحلی بر مبنای منافع ملی و حقوق بین‌الملل راه کارهایی پیشنهاد شده است؛ اما به سبب آن که هر پیشنهاد در برگیرنده منافع یک یا چند کشور و نادیده انگاشتن منافع دیگران بوده است تا به حال توافقی در راستای چگونگی مشخص نمودن رژیم حقوقی دریاچه‌ی مازندران صورت نگرفته است. البته برپایه بیانیه آلمآتی (۲۱ دسامبر ۱۹۹۱) تا زمانی که قرارداد تازه‌ای بین کشورهای تازه تأسیس ساحلی (جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) و ایران و روسیه منعقد نشده، دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به قوت خود باقی و لازم‌الاجرا است و پایه و اساس رژیم حقوقی دریاچه خزر محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۲ موافقتنامه همکاری‌های هسته‌ای با روسیه به امضا رسید، اما امضای قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر تا ژانویه ۱۹۹۵ به طول انجامید.

### بازدارنده‌ها و انگیزه‌های تحکیم روابط

دوره جدید روابط ایران و روسیه که در بالا از آن یاد شد با چالش‌های درخوری رو به رو شد. مواضع روس‌ها در موضوع پرونده هسته‌ای ایران، تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر و عدم تحویل سامانه دفاعی اس-۳۰۰ به ایران و دیگر مسائل باعث شده تا در مورد مناسبات

۱. برای آشنایی با دیدگاه های هر یک از کشورهای ساحلی مراجعه به: (رفعی و دیگران؛ ۱۳۹۰: ۱۵۹)

دو کشور از تعبیری چون «پاییز» و یا «زمستان» روابط ایران و روسیه یاد شود. در ادامه به درخورترین انگیزه‌ها و بازدارنده‌های روابط دو کشور اشاره می‌شود.

در دو بیست سال اخیر، نقش مؤثر قدرت‌های ثالث در روابط ایران و روسیه انکارناپذیر است. در عصر قاجار، انگلستان با اتخاذ سیاست‌های متنوع، مدیریت روابط ایران و روسیه تزاری را برعهده گرفت. در واقع، منافع انگلستان به یکی از مهم‌ترین متغیرها در روند روابط ایران و روسیه تبدیل شده بود. پس از جنگ جهانی دوم نیز آمریکا در نقش جانشین انگلستان به ویژه در عصر جنگ سرد به عامل مهمی در جهت‌گیری و روند روابط ایران و اتحاد شوروی تبدیل شد. این اصل، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تداوم یافته و روند جاری روابط تهران- واشنگتن، سایه سنگین خود را بر روابط تهران- مسکو به ویژه در بخش همکاری‌های نظامی و هسته‌ای افکنده است. بخش قابل توجهی از روابط حسنه ایران و روسیه معلول بن بست در روابط ایران و آمریکا بوده و به همین اعتبار، هر گونه تغییر در روابط تهران- واشنگتن، روابط تهران- مسکو را تحت تاثیر قرار خواهد داد.<sup>۱</sup>

بررسی روابط ایران و روسیه طی این سال‌ها بدون در نظر گرفتن نقش غرب قابل مطالعه نیست. تلاش‌های آمریکا برای فراگیر ساختن و جهانی کردن نظم مورد نظر خویش و تک‌قطبی ساختن جهان مورد مخالفت هر دو کشور ایران و روسیه است و این خود می‌تواند باعث نزدیکی روزافزون دو کشور گردد. به دیگر سخن؛ پس از جنگ سرد، حمایت از ایجاد یک نظام چندقطبی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، انگیزه اصلی دو طرف برای همکاری بوده است. نکته درخور دیگر در روابط ایران و روسیه که به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به خوبی قابل مشاهده است آن است که روسیه پس از پشت سر گذاشتن دوران انزوای پس از فروپاشی و پشت سر گذاشتن دوران سخت اصلاحات اقتصادی به تدریج جایگاه مناسبی در اقتصاد بین‌الملل کسب کرده و به همین دلیل این کشور برای استفاده از منافع اقتصاد بین‌الملل، روابط نزدیکی را با کشورهای صنعتی به ویژه آمریکا برقرار کرده است که این روابط رو به گسترش منافع روسیه در مقابل ایران را متأثر ساخته است (آذری و بالیسنی: ۱۳۸۸، بخش آخر). بنابراین، چالش رابطه ایران با غرب و مسأله تحریم‌ها انگیزه روابط دو کشور و در برابر، مخالفت‌های آمریکا با این

<sup>۱</sup> در حالی که به پندار رجب صفراف، رئیس مرکز مطالعات ایران در مسکو که سمت مشاوره دومای روسیه را نیز بر عهده دارد، دشمن اصلی روابط مستحکم ایران و روسیه اعراب هستند که همواره در مناسبات دو کشور «موش می-دوانند» (روزنامه آفتاب یزد، ۸۹/۲/۷).

روابط، بازدارنده اصلی در روابط فی‌مابین قلمداد می‌شود.<sup>۱</sup> مقامات امریکایی دائماً این احتمال را به هم‌تایان روسی خود گوشزد می‌کنند که رنجش تاریخی ایران از روسیه ممکن است روزی خود روسیه را به هدف سلاح‌های ایران مبدل نماید (Katzman, 2001:3). مشخص است که این تأخیر و تعلل‌ها، از اعتماد ایران به این کشور به عنوان یک شریک مطمئن استراتژیک خواهد کاست. اساساً به باور بسیاری در ایران، روسیه نمی‌تواند شریک قابل اطمینانی باشد؛ چرا که در برابر فشارهای امریکا زود تسلیم می‌شود. از سویی تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و فشارهایی که این کشور بر روسیه وارد می‌سازد، موجب شده است، بخشی از ظرفیت بالقوه همکاری‌ها در زمینه فناوری تسلیحات دو کشور معطل باقی بماند. حداقل در چندین نوبت مقام‌های امریکایی برخی از شرکت‌ها و موسسات روسی را که با ایران همکاری تجاری داشتند، مورد تحریم قرار دادند.<sup>۲</sup> روس‌ها به خوبی می‌دانند، چنانچه بخواهند بر سر موضوع ایران معامله‌ای با آمریکا داشته باشند، این معامله نه تنها موجب تغییری در رفتار ایران نخواهد شد، بلکه ایران را به سمت اتکای بیشتر به توانمندی‌ها و منابع داخلی (و در نتیجه کاهش زمینه‌های بازیگری احتمالی روسیه) سوق خواهد داد. هراس از گسترش دامنه نفوذ امریکا در خارج نزدیک و از دست دادن بازار گسترده اقتصادی و نظامی ایران و کم شدن قدرت چانه‌زنی مسکو در برابر غرب، روسیه را وادار می‌سازد تا در جریان پرونده هسته‌ای ایران، با غرب و به ویژه امریکا همراهی بی‌چون و چرا نکند. ایران همچنین به همکاری با روسیه تمایل نشان می‌دهد و این تمایل برخاسته از دو عامل است: تحریم‌های پیش گفته شده و نیز هزینه‌های پایین انتقال فناوری نسبت به سایر کشورها (رنجبر، ۱۳۸۳: ۷) در زمینه تجهیزات پیشرفته نظامی نیز واقعیت این است که حتی در صورتی که از امروز روس‌ها تصمیم به قطع همکاری‌های خود با ایران بگیرند با توجه به پیشرفت‌های فنی ایران و همین

<sup>۱</sup>. این فشارها گاه نیز موثر بوده‌اند نظیر قرارداد گور-چرنومردین (۱۹۹۵) و یا خلف وعده در تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ و یا تأخیر در پیش‌برد نیروگاه بوشهر. (گزارش گلوبال سکیوریتی؛ ۲۰۱۱، نک: [www.globalsecurity.org](http://www.globalsecurity.org))  
<sup>۲</sup>. در سال ۱۹۹۸ وزارت امور خارجه آمریکا فهرستی از شرکت‌های روسی را که متهم به انتقال فناوری‌های هسته‌ای به کشورهای (به اصطلاح امریکایی‌ها) یاغی بودند، منتشر ساخت. در سال بعد نیز آمریکا ده شرکت دیگر روسی را که متهم به فروش فناوری‌های حساس به ایران بودند تحریم کرد. در سال ۲۰۰۲ نیز سه شرکت دیگر روسی تحت همین عنوان مورد تحریم قرار گرفتند. (شوری در [www.armandaily.ir](http://www.armandaily.ir)) در سال ۲۰۰۳ موسسه طراحی تولا در روسیه بنا به دلایل مشابه تحریم شد. در سال ۲۰۰۸ تحریم شرکت روسی روس بارون اکسپورت توسط آمریکا با انتقادات شدید روسیه مواجه شد. تمامی این موارد تاییدی بر این مدعا است که غرب یکی از مهم‌ترین موانع توسعه همکاری‌های ایران و روسیه بوده است.



طور سطح تجهیزاتی که روس‌ها در جریان این همکاری‌ها در اختیار ایران قرار داده‌اند، مطمئناً ایران صدمه‌ای استراتژیک را متحمل نخواهد شد.

پس از خریدهای دفاعی سال ۱۹۹۲ ایران از روسیه، امریکایی‌ها فشار خود را بر این کشور آغاز کردند و روسیه نیز که در آن زمان تحت سیطره رویکرد آتلانتیک‌گرایان بود، تا حدی به منویات آنها توجه نمود و قرارداد گور-چرنومردین را به منظور خودداری از فروش‌های نظامی بیشتر به ایران به امضا رساند. تا آنکه در نوامبر ۲۰۰۰ و با روی کار آمدن عمل‌گرایان ملی‌گرا در زمان پوتین و با سفر ایگور سرگیف، وزیر دفاع روسیه، در دسامبر همان سال، بر سر فروش تسلیحاتی برای دوره‌ای ده ساله به ارزش بیش از سه میلیارد دلار و نیز آموزش نیروها و مهندسان ایرانی در دانشکده‌های نظامی روسی به مذاکره پرداختند. (امیری، ۱۳۸۷، ۲۵۷-۲۵۸) اگرچه عده‌ای از مقامات ایرانی نسبت به آینده همکاری‌های ایران و روسیه امیدوار هستند،<sup>۱</sup> اما شواهد موجود بیانگر آن است که روسیه هیچ‌گونه تمایلی به افزایش قدرت ملی ایران ندارد. از سوی دیگر، روسیه ترجیح می‌دهد که در ازای کاهش همکاری‌های خود با ایران به امتیازاتی از سوی جهان غرب نیز نایل شود.

واقعیت‌هایی چون گسترش ناتو به شرق و نیز تحرکات نظامی-امنیتی در آسیای مرکزی و ایجاد پایگاه نظامی از سوی امریکا در ازبکستان و قرقیزستان؛ از جمله مسائلی هستند که می‌توانند موجبات نزدیکی بیشتر دو کشور را توجیه نمایند. امریکا با تاسیس پایگاه نظامی و استقرار نیروهای خود در آسیای مرکزی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خصوصی و دولتی در زیرساخت‌های این کشورها به ویژه در بخش انرژی به گسترش نفوذ خود می‌پردازد (Shakoor, 1995:14-22). همکاری با ایران برای جلوگیری از رشد افراط‌گرایی مذهبی در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز پاسداری از منافع مسکو در خاورمیانه و جهان اسلام؛ از دستمایه‌های مسکو برای برقراری روابط بهینه‌تر با ایران است (Rivlin, 2005:40)

تحوالات نظام بین‌الملل به ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ حوزه دریای خزر را به پهنه رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد و این رقابت، برآمده از وجود منابع سرشار نفت و گاز این دریا و چالش بر سر رژیم حقوقی آن است و این همه بر روابط فی‌مابین دو کشور ایران و روسیه (و سایر کشورهای حوزه) اثرگذار بوده است و خواهد بود (رفیع و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۰ - ۱۶۵).

<sup>۱</sup> . همانند موافقت‌نامه افزایش همکاری در زمینه انرژی (ژوئیه ۲۰۱۲)

روسیه همچنین با گردش به سوی اقتصاد شبه‌لیبرالیستی و برای اجرای راهبرد عملگرایی و رشد اقتصادی خویش به منابع مالی برآمده از فروش تسلیحات و نیز درآمدهای ناشی از فروش گاز خویش نیاز مبرمی دارد.

در اینجا پس از واکاوای انگیزه‌ها و بازدارنده‌های برجسته روابط دو کشور از منظر نئوواقع‌گرایی (امنیتی و راهبردی)؛ بهتر است از چشم‌انداز رویکرد نئولیبرالیستی (منافع اقتصادی) نیز به روابط دو کشور نگاهی داشته باشیم.

باید در برابر این واقعیت تسلیم شد که دیدگاه نزدیکی به غرب دیدگاه عمدتاً مبتنی بر اقتصاد است. فناوری غربی، عمدتاً فناوری است که برای رقابت در بازار بهتر جواب می‌دهد. از طرفی در حال حاضر حدود ۷۵٪ بازار جهانی در اختیار متحدان غربی است. ایران حتی اگر بتواند یک درصد این بازار را تصرف کند، صادرات غیر نفتی آن به بیش از ۶۰ میلیارد دلار خواهد رسید. البته اگر غرب واقعاً ایران را بخواهد به عنوان یک متحد بپذیرد به طور یقین سهمیه ۴ درصدی از این بازار دور از ذهن نخواهد بود. همچنین؛ شرق یا به عبارتی همان بلوک شانگهای، بازار به اندازه کافی بزرگی ندارد و به جز روسیه، سایرین از فناوری بالایی برخوردار نیستند. اما همین کشورها می‌توانند با خارج کردن دنیا از حالت استیلای تک‌قطبی، هرم قدرت را در دنیا به هم بریزند و امکان چانه‌زنی را برای ایران فراهم آورند.

روسیه در خارج نزدیک خود از شکل‌گیری قدرتی منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه هراس دارد. از این رو، روسیه با ترکیه تعاملی اقتصادی و با ایران تعامل فنی و نظامی برقرار کرده است که در هر دو مورد برگ برنده را در دست خود نگه داشته است. همچنان که روابط بازرگانی با ترکیه را تا ۱۰ برابر معامله با ایران پیش می‌برد، بازارهای خود را بر روی کالاهای ایرانی می‌بندد. روابط تجاری ایران با روسیه به نسبت ۱ به ۲۰ است. اگر در نظر داشته باشیم که بسیاری از کالاهای ایرانی در صنایع سبک و مواد غذایی می‌تواند بازارهای خوبی در روسیه داشته باشد<sup>۱</sup> با بستن مرزهای زمینی خود بر روی کامیون‌های ایرانی در مرز

<sup>۱</sup> . برای مثال تقاضای سالانه برای سمند ایران در روسیه سالانه ۲۵۰۰ دستگاه است، اما به دلیل محدودیت‌های تجاری بین دو کشور سالانه بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دستگاه سمند به روسیه صادر می‌شود. تقاضای بالای خودروهای ایرانی در کشور روسیه، ایرانیان را بر آن داشته است تا در مورد ساخت یک کارخانه خودروسازی در روسیه مطالعاتی انجام دهند. به گزارش خبرگزاری‌های ایرانی، مطالعه در مورد ساخت کارخانه خودروسازی در این کشور پهناور در حال انجام است و در صورتی که این مطالعات به نتیجه مثبت برسد روسیه میزبان هفتمین خط تولید خودروی ایرانی در خارج از مرزهای

داغستان و جمهوری آذربایجان، این امتیاز را برای کامیون‌های آذری قرار می‌دهد و در مقابل کالاهای نامرغوب خود از جمله هواپیماهای خود را سرازیر بازار ایران می‌کند.<sup>۱</sup> روابط اقتصادی ایران و روسیه در حدود ۴ میلیارد دلار است، لیکن در مقایسه با روابط روسیه با اسرائیل که در حدود ۱۰ میلیارد دلار است و رابطه روسیه و ترکیه که نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار است، رقم بزرگی به شمار نمی‌رود و این در حالی است که ایران دومین شریک نظامی روسیه بعد از چین و حتی بالاتر از هند است. همواره، بیشترین سهم از کالاهای وارداتی ایران از روسیه، تسلیحات نظامی بود. حجم تجارت بین دو کشور در مقابل ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی و صنعتی این دو کشور بسیار اندک است. برای نمونه در نیمه نخست سال ۲۰۱۰ حجم مبادلات تجاری میان ایران و روسیه به ۱۲۹۰/۹ میلیون دلار رسید (کارپیچ، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۷) به دلیل فاصله کم دو کشور، صادرات کالاهای ایران به بازار مصرف روسیه هزینه بسیار کمی در بردارد که می‌تواند قیمت آنها را در مقایسه با دیگر کالاهای وارداتی به روسیه پایین‌تر نگه دارد و بر قدرت این کالاها در رقابت با دیگر کالاهای موجود در بازار بیفزاید. روسیه با بهره‌برداری از ظرفیت‌های خود که بیشتر متأثر از روابط پرسابقه و البته استعماری، سیاسی و اقتصادی دو کشور بوده است؛ همواره نقش پررنگ‌تری در صادرات به ایران داشته است.

## الزامات روابط بر پایه نیازهای فناوری - دفاعی

کشور خواهد بود. البته هدف تنها ورود به بازار روسیه نیست، بلکه صادرات تولیدات این خط تولید جدید ایران در روسیه به کشورهای استقلال یافته شوروی سابق و نیز دیگر کشورهای اروپایی که فاصله کمی با این کشور همسایه ایران دارند نیز در برنامه کار قرار دارد.

<sup>۲</sup> . مهم‌ترین شرکت هواپیمایی خود روسیه (آئرو فلوت) در خطوط خارجی خود از هواپیماهای بوئینگ و ایرباس ساخت آمریکا و اروپا استفاده می‌کنند. با این حال بازارهای روسی مرتباً به ایران می‌آیند تا هواپیماهای نایمن توپولوف، آنتونوف و ایلوشین را به ایران بفروشند. (خاکی‌فیروز، ۱۳۸۸: نک: [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)) نخستین موج خرید هواپیماهای جدید برای ایران، با خرید شش فروند ایرباس ۳۱۰ دست دوم از ترکیه بود. این هواپیماها خیلی زود زمینگیر شدند. پس از آن بود که پای سمسارهای روس و اوکراینی به ایران باز شد و تمایل مقامات هوایی به خرید قطعات یا اجاره هواپیمای دست دوم از این دو کشور افزایش یافت. آنتونوف و توپولوف، دو نامی بود که در چنین فضایی به موضوع روز مکاتبات، مذاکرات و سفرهای خارجی مقامات صنعت هوایی ایران تبدیل شد.

جنگ‌های دوگانه پیش از مشروطه، ذهنیتی منفی و نگرشی امنیتی در میان نخبگان و نیز مردم ایران نسبت به روس‌ها ساخت که حتی با گذشت دو دهه از همکاری‌های جدید پس از جنگ سرد، همچنان در مواردی مانع گسترش ارتباطات دو دولت است.

در اواخر دهه ۸۰ میلادی و با پایان جنگ تحمیلی در شرایطی که ایران نیازمند بازسازی ساختار دفاعی خود بود، اتحاد جماهیر شوروی در مقایسه با سایر کشورها در این زمینه بیشتر مشارکت کرد. یکی از نکات چشمگیر در روابط جدید ایران و شوروی از لحاظ خرید و فروش تسلیحات، باید خرید سه زیردریایی از نوع کیلو- کلاس<sup>۱</sup> روسیه (به همراه تانک‌های تی-۷۲<sup>۲</sup>، هواپیماهای میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴<sup>۳</sup> و پرتاب‌کننده‌های موشک و سلاح‌های دوربرد) نام برد<sup>۴</sup> (Cennady, 1999: 193). این زیردریایی‌ها به لحاظ حجم و گنجایش نظامی خود بزرگ‌ترین کشتی‌های منطقه محسوب می‌گردیدند و ایران بر اساس بخشی از قرارداد تسلیحاتی ۱۹۸۹ خود با اتحاد جماهیر شوروی اقدام به خرید آنها کرد.<sup>۵</sup> در پی دیدار سرگیف از ایران که در بخش پیشین بدان اشاره شد، آقای خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، پیشنهاد پوتین را پذیرفت و در مارس ۲۰۰۱ از مسکو دیدار رسمی داشت و علاقه خود را برای خرید زیردریایی‌های بیشتر برای تقویت قدرت دریایی ایران در خلیج فارس اعلام داشت (Smith, 2002: 152). اکتبر همان سال نیز در پی سفر دریابان شمخانی، وزیر دفاع وقت به مسکو، قرارداد پنج ساله‌ای امضا گردید که ایران را پس از چین و هند به سومین خریدار بزرگ جنگ‌افزار از روسیه مبدل نمود.

به لحاظ واقع‌گرایی، بهره‌گیری از ناوهایی که بتواند به آب‌های آزاد دسترسی پیدا کند، نه تنها برای منافع و اولویت‌های راهبردی ایران مهم تلقی می‌گردد، بلکه بخشی از رقابت‌های منطقه‌ای ایران نیز محسوب می‌شود؛ زیرا در زمان خرید این زیردریایی‌ها، که در

<sup>۱</sup> . Kilo Class Submarine

<sup>۲</sup> . T-72 Tanks

<sup>۳</sup> . Mig 29 and Su 24 Aircraft

<sup>۴</sup> . این زیردریایی‌ها به لحاظ حجم و گنجایش نظامی خود بزرگ‌ترین کشتی‌های منطقه محسوب می‌گردیدند و دارای ۲۵۰۰ تن ظرفیت برای بارگیری بودند. این زیردریایی‌ها را ایران براساس بخشی از قرارداد تسلیحاتی ۱۹۸۹ خود با شوروی خرید. البته صرفاً دو فروند شناور از این زیردریایی‌ها تا اواسط دهه ۹۰ میلادی آماده تحویل گردید. اگرچه این زیردریایی‌ها به دوران جنگ جهانی دوم مربوط بود و موتورهای دیزلی نیز داشتند؛ واقعیت‌های استراتژیک ایران نشان می‌دهد که این ابزار، قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش می‌داد و نیروی دریایی ایران را مجهزترین و قوی‌ترین نیروی نظامی در خلیج فارس ساخت.

<sup>۵</sup> . البته تنها دو عدد از این زیردریایی‌ها تا اواسط دهه ۹۰ آماده تحویل گردید.

سال ۱۹۸۹ انجام پذیرفت، کشور عراق برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قدرت دریایی خلیج فارس دوازده ناو ایتالیایی خرید. به طور کلی، این زیردریایی‌ها را باید بخشی از تمایل و گرایش ژئوپلیتیک ایران، در دوران پس از جنگ سرد دانست؛ دورانی که ایران درصدد بود تا نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد (فولر، ۱۳۶۳: ۲۱۸). امروزه در ایران نوآوری‌های نظامی، بیش‌تر برآمده از جنگ‌افزارهای روسی است که این عامل باعث شده تا روسیه منافع درخوری را از این راه به عنوان یک بازار به دست آورد (سوبه‌اش، ۱۳۸۸: ۱۱). در طول سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ بیش از ۲۰۰ تانک تی ۷۲، ۱۰ سوخوی ۲۴ و ۸ میگ ۲۹ از جمله سلاح‌هایی بودند که روسیه به ایران تحویل داده است (Freedman, 2000:4). حضور تعداد زیادی از مشاوران نظامی روسی در ایران در شرایطی که کشورهای غربی در تامین منابع نیازهای تسلیحاتی ایرانی خودداری کرده‌اند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اعزام نظامیان ایرانی به روسیه نیز برای فرا گرفتن آموزش‌های گوناگون، ابعاد این همکاری‌های گسترده را روشن ساخته است.

### الزامات جدید؛ بایسته‌های انرژی محوری

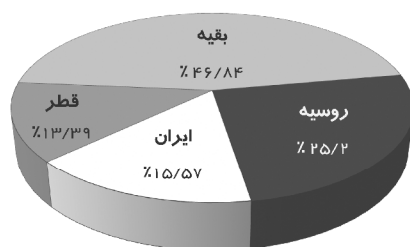
**الف) الزامات انرژی محور فناوری (هسته‌ای):** همانگونه که در مقدمه آمده در این پژوهش، برخلاف ادعاهایی که همکاری‌های هسته‌ای دو کشور را در چارچوب همکاری‌های نظامی برمی‌شمردند؛ روابط هسته‌ای دو کشور در چارچوب نیازهای فناوری آن هم در زمینه انرژی (و نه دفاعی) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از لغو قراردادهای ایران و آلمان غربی بر سر تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، چشم امید ایرانی‌ها به روس‌ها بود که به‌تازگی از پوسته کمونیستی درآمده و درصدد نقش‌آفرینی بیشتر در دنیای تک‌قطبی بودند. جدا از تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب و توانمندی این کشور در زمینه اتمی؛ عضویت روسیه در هیئت حکام آژانس بین‌المللی اتمی به عنوان یکی از پنج قدرت شناخته شده هسته‌ای و نیز عضویت دائم آن در شورای امنیت، از عوامل اهمیت مسکو برای تهران بوده است. برپایه توافقنامه همکاری‌های هسته‌ای (۲۵ اوت)؛ روسیه می‌بایست یک‌رآکتور هزار مگاواتی را در ازای دریافت مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار در بوشهر احداث کند. از آغاز، فعالیت این نیروگاه تحت بازرسی‌های پادمانی آژانس انرژی اتمی قرار داشته و قرار بوده که در این نیروگاه، اورانیوم غنی‌شده با ۴ درصد غلظت تولید شود. قرارداد روسیه با ایران به مدت سال بسته شد، اما در چندین مرحله به تعویق افتاد و به درازا کشیده

شد و هزینه تکمیل نیروگاه بوشهر لاقبل به دو برابر و بنا بر برخی گزارش‌ها از ۸۰۰ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار افزایش یافت. علاوه بر آن موعد ارسال سوخت هسته‌ای و راه‌اندازی نیروگاه بوشهر از نیمه سال ۲۰۰۷ به زمان نامعلومی به تعویق افتاد که روس‌ها علت آن را عدم بازپرداخت مطالبات مالی از سوی ایران ذکر کردند (www.bashgah.net). انعقاد این قرارداد برای اقتصاد و نیز صنعت هسته‌ای این کشور منافع کلانی را هم برای دولت روسیه و هم برای سیصد شرکت دست‌اندرکار به همراه داشته است (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۶۸)؛ چرا که افزون بر مبلغ پیش گفته، این قرارداد بازار کار ۲۰ هزار نفری را برای روسیه ایجاد نمود.

ب) الزامات انرژی‌محور در حوزه نفت و گاز: روسیه و ایران به همراه یکدیگر، نزدیک به نیمی از ذخایر گاز طبیعی ثابت شده جهان (معادل رقم حدود ۸۰ تریلیون مترمکعب یعنی بیش از ۴۰ درصد ذخایر) را در اختیار دارند و با توجه به این ذخایر عظیم در سال‌های آتی بر بازار جهانی گاز، سیطره پیدا خواهند کرد.

نمودار ذخایر گازی جهان  
(گزارش سالنامه‌ی آماری سال ۲۰۱۲ موسسه BP)



از ذخایر اثبات شده گاز جهان که بالغ بر ۱۸۷ تریلیون متر مکعب می‌باشد، بیش از ۲۵ درصد آن متعلق به کشور روسیه است (بیشتر ذخایر در سبیری غربی متمرکز است و بقیه در مناطق مهم دیگر از جمله ولگا- اورال<sup>۱</sup> و سبیری شرقی<sup>۲</sup>). این کشور دارای ذخایر گاز ثابت شده به میزان ۴۴,۳۸ تریلیون متر مکعب است که حتی

شامل دیگر ذخایری نمی‌شود که ممکن است در آینده در نواحی پهناور شرقی سبیری، فلات قاره نظیر آب‌های دور از کرانه جزیره ساخالین<sup>۳</sup> در شرق دور روسیه و در دریای اُختسک<sup>۴</sup> (شمال ژاپن) و آب‌های قطب شمال در دریاهای بارنتس<sup>۵</sup> کشف شوند. روسیه از توانایی صنعتی صدور گاز از طریق خط لوله در سطحی مطلوب برخوردار است و تولیدکننده و صادر کننده درجه یک گاز خط لوله در جهان است.

1 . Volga-Ural  
2 . Urengoy  
3 . Sakhalin  
4 . Sea of Okhotsk  
5 . Barents Sea

ایران نیز به لحاظ داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان به میزان بیش از ۳۰ تریلیون و ۹۰ میلیارد متر مکعب ۱۵,۸ درصد کل ذخایر جهان، جایگاه دوم را داراست.<sup>۱</sup> این در حالی است که به لحاظ تولید گاز خط لوله و صدور آن به بازارها، صنایع گاز ایران در مراحل طفولیت خود قرار دارد به گونه‌ای که پس از آمریکا، روسیه و کانادا با تولید ۱۵۴ میلیارد متر مکعب چهارمین تولید کننده بزرگ گاز جهان است و حتی درآمدهای ایران از ترانزیت گاز جمهوری‌های شمالی نیز بسیار اندک بوده است (Herzig, 2001: 183). حوزه پارس جنوبی به تنهایی نیمی از کل ذخایر گاز ایران را در بر می‌گیرد و همانند حوزه شمالی کشور همسایه، قطر که هم اکنون تولیدات خود را به آمریکا صادر می‌کند، می‌تواند منبع تأمین عمده گاز طبیعی مایع برای آمریکا باشد؛ با توجه به اکتشاف میدان‌های گازی که جدیداً صورت گرفته است و فوریت توسعه آنها، ایران به شدت به سرمایه خارجی، فناوری مدرن میدان‌های نفتی و گازی و مدیریت طرح به منظور کسب درآمد از ذخایر عظیم زیرزمینی گاز خود وابستگی پیدا کرده است.

در عرض ۵۰ سال آینده، اقتصاد آمریکا بدون وجود گاز طبیعی امکان ادامه حیات نخواهد داشت. در حال حاضر، تولید میدان‌های گاز آمریکای شمالی به آخرین حد خود رسیده است و در حال طی روند نزولی است.<sup>۲</sup> با توجه به فاصله زیاد آمریکا از سایر قاره‌ها، گاز خط لوله معمولاً راه‌کاری معتبر برای واردات گاز نمی‌باشد. از این‌رو، واردات گاز خارجی آمریکا عمدتاً به شکل گاز طبیعی مایع خواهد بود. انتقال گاز مایع از سایر قاره‌ها به آمریکا پرهزینه خواهد بود و مستلزم مایع کردن گاز، حمل آن توسط شناورهای ویژه و ساخت تاسیسات تبدیل گاز مایع و نیز زیرساخت‌های مربوطه از جمله خط لوله‌هایی است که به خطوط بین ایالتی متصل می‌شوند و به بازارهای پرتقاضا دسترسی می‌یابند.

---

۴. اطلاعات آماری این بخش از منابع ذیل مأخوذ است: گزارش سال ۲۰۱۲ شرکت ایتالیایی انی و نیز شرکت نفت بریتانیا (که خودتلفیقی از اطلاعات به دست آمده رسمی کشورها، دبیرخانه اوپک، Oil & Gas Journal و برآورد مستقل از ذخایر روسیه است که در منابع خبری منتشر شده، ضمن آن که اطلاعات مربوط به گاز طبیعی ترکیبی از اطلاعات رسمی کشورها و اطلاعات حاصل از Cedigas است.) همچنین از تارنمای شانا: شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (<http://www.shana.ir>) و پایگاه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی ([www.pananews.ir](http://www.pananews.ir)) نیز استفاده گردید.  
<sup>۱</sup> البته اخیراً موسسه سیاست عمومی بیکر دانشگاه رایس، ادعاهایی را مبنی بر وجود پایانه‌های گاز طبیعی مایع تولید گاز آمریکا از ذخایر گاز پالمه سنگ‌های گازدار یا گاز شیل و در جهت افزایش ضریب مقاومت اروپا در برابر روسیه و ایران نموده است (کریمی زارچی، ۱۳۹۰: ۴۶).

مسکو اینک بازار گاز آمریکا را برخلاف بازار گاز اروپا که اشباع شده و بسیار رقابتی است، بسیار سودآور تلقی می‌کند. گازپروم<sup>۱</sup>، شرکت انحصاری حمل و نقل و تولید گاز دولتی روسیه، امیدوارست که بتواند گاز طبیعی مایع را از منطقه تولید اصلی خود در یامال-ننتس<sup>۲</sup> که ناحیه‌ای خودمختار در سیبری غربی است، و نیز از میدان اشتوکمن<sup>۳</sup> در دریای بارنتس یا از مناطق دور از کرانه جزیره ساخالین در شرق دور روسیه به آمریکا بفرستد. هر سه اینها منابع واقع بینانه‌ای برای عرضه گاز مایع طبیعی به بازار آمریکا محسوب می‌شوند. در حالی که انتقال گاز از یامال-ننتس به دلیل یخبندان شدید در زمستان ممکن است دشوار باشد، گاز مایع طبیعی اشتوکمن را می‌توان از پایانه‌ای نزدیک به بندر آب گرم مورمانسک<sup>۴</sup> به ساحل شرقی آمریکا صادر کرد. گاز اشتوکمن بر اساس برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده قرار بود توسط خط لوله از طریق خط لوله گاز اروپای شمالی<sup>۵</sup> به اروپا صادر شود. اینک شرکت گازپروم دریافته است که گزینه دیگر این است که این گاز به جای اروپا به آمریکا به صورت مایع صادر شود. شرکت آمریکایی کونوکوفیلیپس<sup>۶</sup> ممکن است وارد پروژه اشتوکمن شود و به شرکای فعلی یعنی گازپروم و رزنفت بپیوندد. طرح توسعه گاز جزیره ساخالین نیز مدعی قدرتمند دیگری برای صادرات گاز طبیعی مایع روسیه به آمریکا است. از آنجا که جزیره ساخالین تنها در ۵۰ کیلومتری شمال جزیره هوکایدو<sup>۷</sup> در ژاپن قرار دارد، منطقی است که منطقه آسیا-اقیانوسیه از جمله چین، کره جنوبی و تایوان بازار اصلی گاز ساخالین را تشکیل بدهند. شرکت میتسوبیشی<sup>۸</sup>، یکی از شرکای پروژه ساخالین - ۲، قراردادی برای توسعه پایانه گاز طبیعی مایع با هزینه‌ای معادل ۴۰۰ میلیون دلار در لانگ‌بیچ کالیفرنیا<sup>۹</sup> به امضا رسانده است که قادر است سالانه ۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع را جابجا کرده و نیز قسمت اعظم کار توزیع گاز در منطقه پرجمعیت جنوب کالیفرنیا را انجام دهد. صادرات بیشتر گاز مایع

1. GasProm

2. Yamalo-nenets

3. Shtokman

4. Murmansk

5. NEGP

6. Conoco Philips

7. Hokkaido - Japan

8. Mitsubishi

9. Long Beach- California



طبیعی به ساحل غربی ممکن است در آینده از طریق طرح ساخالین-۱ و یا ساخالین-۳ و نیز پروژه‌های توسعه گاز صورت گیرد.

همه این‌ها در حالی است که تولید کنونی گاز ایران حدود یک پنجم میزان تولید گاز روسیه می‌باشد. ایران در سال‌های اخیر افزایش شدیدی را در زمینه تولید گاز و عرضه آن به بازارها تجربه کرده است به گونه‌ای که گفته می‌شود در سال ۲۰۲۰ این افزایش به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. هم اکنون به نظر می‌رسد که هم روسیه و هم ایران مایل به احیای این پیوندهای تاریخی در زمینه گاز باشند (Florence C. Fee; 2003: No.31) امریکا با هدف دور زدن ایران و روسیه، طرح‌هایی مانند خط لوله گازی ناباکو<sup>۱</sup> و خط لوله ترکیه-یونان-ایتالیا و نیز خط لوله ترانس آدریاتیک را در حال اجرا دارد و همچنین خط لوله آذربایجان-گرجستان-رومانی را هم به مرحله امضا رسانده است (گستره انرژی، ۱۳۸۹: ۳۳)

عدم تمایل آمریکا و برخی دیگر از کشورها در دخالت دادن ایران در این پروژه (و متعاقباً پیگیری خط لوله پارس<sup>۲</sup> با هدف ارسال گاز میدان پارس جنوبی به اروپا که بسیار کمتر از طرح «ناباکو» و «ساوث استریم»<sup>۳</sup> است) و همچنین مخالفت روسیه با آن (چرا که هدف طرح به حداقل رساندن وابستگی کشورهای اروپایی به گاز این کشور است) سبب گردید تا کامیابی پروژه ناباکو از همان ابتدا در هاله‌ای از ابهام فرو رود.

در حال حاضر به دلیل وجود چندین عرضه کننده (روسیه/ساخالین، اندونزی، مالزی، قطر و استرالیا) رقابت فزاینده‌ای بر سر قیمت گاز طبیعی مایع در حوزه آسیا-اقیانوسیه وجود دارد. رقابت فزاینده، تهران را مجبور به کاهش تعداد پیش‌بینی شده کارخانه‌های گاز مایع کرده است، اما این وضعیت دوام نخواهد آورد و از ارزش استراتژیک پارس جنوبی برای آینده واردات گاز طبیعی مایع از سوی آمریکا با توجه به احتمال حل و فصل مشکلات از جمله رفع محدودیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری در ایران، چیزی نمی‌کاهد.

ایران به عنوان تولیدکننده و توسعه‌دهنده گاز به لحاظ بازاریابی برای صدور گاز از همسایه خود در خلیج فارس یعنی قطر عقب افتاده است. ایران هنوز مشتریان مطمئنی برای گاز طبیعی مایع ندارد و از ورود به بازار آمریکا منع شده است. اما هیچ یک از این واقعیت‌ها

<sup>1</sup> . Nabucco

<sup>2</sup> . Persian Pipeline

<sup>3</sup> . South Stream

شرکت های انرژی اروپایی و آسیایی (و روسی) را از رقابت برای تحکیم موقعیت خود در بخش گاز ایران باز نداشته است.

از آنجا که بازار نفت و گاز یک بازار بین‌المللی، بسیار بزرگ، پیچیده و رنگارنگ است و شمار بازیگران با گرایش‌های ملی، اقتصادی یا بازرگانی در آن چشمگیر است و متغیرهای بسیاری می‌توانند بر این بازار اثر گذارند، در این راستا همکاری در زمینه بازار و هماهنگی بیشتر میان عرضه و تقاضا در سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار در انرژی، می‌تواند ایران و روسیه را از آسیب‌های احتمالی مصون نگه دارد.

ایران می‌تواند به عنوان عضو مؤسس و فعال در اوپک، در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی در کنار خواسته‌های خود از روسیه در زمینه گسترش همکاری‌ها بهره ببرد. همچنین، روسیه نیز می‌تواند از طریق ایران بر اوپک تأثیر گذاشته و به خواسته خود یعنی استفاده از ابزار انرژی در سیاست خارجی خود در مقابل غرب دست یابد.

سازمان اوپک گازی یا همان «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» که فکر ایجاد آن برای اولین بار در سال ۲۰۰۱ میلادی در اجلاسی در تهران مطرح شد؛ به کوشش ایران<sup>۱</sup>، روسیه و قطر در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ پایه‌ریزی گردید<sup>۲</sup> که در راستای هماهنگی کشورهای تولیدکننده گاز برای تنظیم مناسبات میان اعضا و بازار مصرف‌کنندگان بوده است. در آینده مسأله قیمت جهانی گاز به عنوان یک ابزار اقتصادی و سیاسی مهمی در سیاست و اقتصاد بین‌الملل، نقش بازی خواهد نمود.

همکاری ایران و روسیه در زمینه انرژی با دیدگاهی واقع‌گرایانه و با حضور سیاسی و همگام با همکاری همسان با کشورهای دیگر همانند حوزه امریکای لاتین می‌تواند در پیشبرد اهدافی برای مقابله با هژمونی ایالات متحده، راهبردی واقع‌گرا به شمار می‌آید.

همکاری‌های دو کشور افزون بر بعد اقتصادی آن، می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی‌های آینده شود؛ به گونه‌ای که یک قطب مهم اقتصادی و سیاسی در جهان گردند. همکاری دو

<sup>۱</sup> طی مواردی چون تعیین مقر دائمی (قطر)، اولین دبیرکل (لئونید بوخانوفسکی روس)، تمدید آن و نیز میزبانی اولین اجلاس سران (باز هم قطر) با توافقات پشت پرده روسیه و قطر؛ دیدگاه‌های ایران به انجام نرسید؛ اما در صورت پذیرش دیدگاه ایران، این مسایل تأمین‌کننده‌ی منافع ملی کشورمان در چارچوب میزان استخراج به ویژه در میادین مشترک و چانه‌زنی‌ها برای فروش آن نخواهد بود.

<sup>۲</sup> ایران، روسیه، الجزایر، بولیوی، مصر، گینه استوایی، لیبی، نیجریه، قطر، ترینیداد و توباگو و ونزوئلا دوازده کشور عضو مجمع صادرکنندگان گاز هستند.

کشور در اوپک گازی می‌تواند در آینده به دگرگونی ژئوپلیتیک و حتی نقشه استراتژیک جهان بینجامد و نقش قدرت‌های اقتصادی را کمرنگ‌تر سازد (سیمبر و گل‌افروز، ۱۳۸۸: ۹۶). بر این اساس، مصرف‌کنندگان گاز و به ویژه آمریکا و اروپا با ترس از تکرار تجربه اوپک نفتی و کنترل کارتل‌گونه بهای گاز و نیز استفاده ابزاری از سوی ایران و روسیه جهت فشار سیاسی به غرب، از همان ابتدا با تشکیل آن مخالفت نمودند و خواهان تعیین قیمت گاز در بازار آزاد هستند.

### نتیجه‌گیری

از منظر اقتضانات واقع‌گرایی، روسیه به دلیل توان بالای هسته‌ای و نظامی برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به محدودیت ایران در تامین تسلیحات مورد نیاز خود، روسیه به عنوان کشوری که دارای سلاح‌های با کیفیت بالا است، برای تهران حایز اهمیت است. همچنین برای ایران، روسیه شریک اقتصادی خوبی است. چرا که ایران بعد از استراتژی مهار دوگانه، طرح «داماتو» و تحریم‌های اقتصادی اخیر، خود را از هر سو تحت فشار دید و به دنبال راهی بود که از طریق آن بتواند از انزوای کامل نجات یابد و در راستای بی‌اثر ساختن سیاست‌های تخصی امریکا برای به انزواکشاندن ایران؛ روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و همسایه ایران بهترین انتخاب بود. همچنین، روسیه نیز در راستای بازسازی اقتصاد خود نیازمند درآمدهای مالی برآمده از فروش فناوری، جنگ‌افزارهای نظامی و انرژی نفت و گاز خود است؛ پس در پی تقویت روابط با کنشگران مخالف نظام تک‌قطبی و یک‌جانبه‌گرایانه امریکا از جمله ایران است.

گاز مایع ایران به عنوان منبعی برای گاز طبیعی، با توجه به فاصله مکانی این ذخایر از آمریکا و طی مراحل اولیه توسعه ذخایر گاز، چشم‌انداز بلندمدت‌تری را ارائه می‌دهد؛ وضع تحریم علیه ایران از سوی آمریکا، شرکت‌های اروپایی و آسیایی را قادر ساخته است تا در زمینه دستیابی به ذخایر گاز ایران از مزایای بیشتری برخوردار شوند. اینک برای آمریکا این امر درخور ویژه‌نگری است؛ در حالی که ایران و روسیه در مراحل اولیه شکل‌گیری صنایع صدور گاز مایع خود هستند، نقشی را که این دو کشور می‌توانند در عرضه انرژی به آمریکا در آینده ایفا نمایند، مورد بررسی قرار دهد.

هر دو دولت ایران و روسیه هم‌اینک در حال هماهنگ‌سازی سیاست‌های صادرات گاز خود هستند. دلیل احتمالی این امر این واقعیت است که هر دو کشور در آغاز توسعه صنایع

صادرات گاز طبیعی مایع خود قرار دارند. دو کشور می‌توانند با تعدیل، هم‌گذاری و همگراسازی اولویت‌های آنها در روابط متقابل<sup>۱</sup>، زمینه‌های همکاری در حوزه‌های معاوضه<sup>۲</sup> گاز، پالایشگاه دریای خزر، خط لوله نکا-جاسک، فعالیت‌های اکتشاف و توسعه میدان‌های نفتی را عمیق‌تر پیگیری کنند. مطالب مربوط به مطالعه و اکتشاف، تجهیز میدانی نفت با وسایل استخراجی، آغاز بهره‌برداری، تولید، احداث خطوط لوله، کنترل نواقص لوله-کشی و مخازن، همه مورد توجه ایران می‌باشد. از این گذشته، ایران نیازمند مدرنیزاسیون پالایشگاه‌های نفت و توسعه پتروشیمی می‌باشد و در شرایط تحریم، صادرات فناوری بالا به ایران بدون روسیه بسیار مشکل می‌باشد. خود روسیه نیز در شرایط ایده‌آل قرار ندارد و بدین جهت نباید فرصت مناسب را برای انجام نقش شریک راهبردی ایران از دست دهد. به خصوص که امروز مواضع کشورهای اروپایی در ایران زیاد قابل توجه نیست.

براساس تفاهم‌نامه وزرای نفت و انرژی ایران و روسیه که به موجب آن «نقشه همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه انرژی» برای سه دهه ترسیم گشت، دو کشور موافقت

<sup>۱</sup>. اولویت‌های روسیه در رابطه با ایران عبارت هستند از: رقابت برای دستیابی به بازار صادرات گاز ترکیه و جنوب شرقی اروپا، یافتن روزه‌هایی برای صادرات جهت گسترش حجم تولید نفت و گاز روسیه، مشارکت فعال تر با ایران با هدف اشاعه تجارت بلندمدت از آسیا به اروپا و ایجاد یک کریدور حمل و نقل برای رقابت با کانال سوئز، جلب توافق ایران برای تحکیم (تعیین) مرزها در دریای خزر، توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز و همچنین میدان‌های گازی دریایی از جمله میدان پارس جنوبی در خلیج فارس برای از دست ندادن سهم بازار روسیه و دیگر تولیدکنندگان غیر اوپک و تضمین مشارکت شرکت‌های روسی در بخش بالادستی نفت و گاز ایران، نظارت بر اوپک برای پیشگیری از تأثیرات سوء بر صادرات نفت و گاز روسیه و حفظ ثبات قیمت‌ها، حمایت از بازار صادرات پرسود تسلیحات و فناوری هسته‌ای، مشارکت با ایران برای افزایش سطح تجارت آسیای جنوبی با اروپا و ایجاد دالان‌های حمل و نقل اولویت‌ها و دغدغه‌های ایران نیز عبارت هستند از: کسب درآمد از ذخایر گاز طبیعی عظیم خود در حوزه پارس جنوبی و سایر حوزه‌ها و نیز افزایش ظرفیت تولید نفت صادراتی با وجود سهمیه‌بندی اوپک به گونه‌ای که عراق، روسیه و یا دیگر تولیدکنندگان غیر عضو اوپک سهم این کشور را از آن نربایند. انجام این کار تاکنون در مورد گاز طبیعی به دلیل اشباع کنونی بازارهای گاز در اروپا و آسیا و سازماندهی مجدد شرکت ملی نفت ایران برای این کشور دشوار بوده است. متعاقباً تحکیم رژیم حقوقی و تحدید مرزها در دریای خزر، مقابله با هژمونی روسیه در آب‌های سطحی و دستیابی به سهم بزرگتری از ذخایر نفت و گاز در این دریا، تبدیل شدن به مسیر ترانزیتی عمده، توسعه بازارهای صادرات گاز در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز؛ دستیابی به سهم بزرگتری از ذخایر نفت و گاز دریای خزر؛ چرا که سه کشور جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از منابع نفت دریای خزر روزانه ۲/۷ میلیون بشکه برداشت می‌کنند در حالی که سهم ایران از این منابع عدد صفر را نشان می‌دهد.

<sup>۲</sup>. Swap

کردند که در بخش‌های بالادستی و پائین دستی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به یکدیگر کمک کرده و با تبادل تجربه و دانش فنی در حوزه‌های استخراج و پالایش و اکتشافات دریایی با یکدیگر همکاری کنند. در این معامله، روسیه برنده واقعی است، زیرا قادر است با اتکا به دانش و تجربه خود و همچنین به دلیل نیاز وافر ایران به این دانش و تجربه منافع ایران را همانند گذشته آن هم در بخش کلیدی نفت و گاز جداً تهدید نماید. مسکو با بهره‌برداری از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران می‌کوشد خود را به تنها شریک تجاری این کشور بدل کند؛ در حالی که دو کشور می‌توانند با افزایش همکاری و نزدیکی آرا و حسن نیت به بزرگترین مرکز انرژی در جهان تبدیل شوند و بستر را برای همگرایی مطلوب اقتصادی خود ایجاد کرده، نهایت بهره‌برداری را برای ساخت و توسعه اقتصاد خود ببرند. گسترش همکاری‌ها و تهیه الگوهای علمی تولید، انتقال و اجرا در زمینه انرژی نفت و به ویژه گاز و نیز همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک انرژی از جمله حوزه آبی دریای خزر در کنار همکاری و هم‌رایی در سازمان‌هایی چون اوپک گازی موجب افزایش همکاری‌های مشترک در سطح جهان برای مقابله با هژمونی امریکا و پاسخ به تهدیدها در حوزه‌های امنیتی آنها می‌گردد. هرگونه چرخش تاکتیکی از دو طرف به هر رویکرد و رخدادی در جهان سیاست و اقتصاد می‌تواند بازدارنده درخوری برای نرسیدن به هدف‌های پیش گفته باشد.

البته دو طرف در هر دو سطح سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود، نشانه‌ای از چنین چرخش را بروز نداده‌اند. برای نمونه می‌توان به دهمین<sup>۱</sup> نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور که در ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ در مسکو به میزبانی وزارت توسعه اقتصادی آن کشور برگزار گردید اشاره کرد. علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه، به عنوان روسای ایرانی و روس در قالب هفت کمیته تخصصی، موضوعات مورد علاقه را بررسی و سه سند همکاری امضا و بر ادامه همکاری‌های دو کشور در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید نمودند.

<sup>۱</sup>. هشتمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه، هشتم و نهم آذرماه ۱۳۸۸ با حضور منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت ایران و سرگئی اشماتکو، وزیر وقت انرژی روسیه در تهران برگزار و سند این کمیسیون با ۱۷ فصل و ۱۲۰ ماده به امضای روسای این کمیسیون رسید. نهمین نشست این کمیسیون نیز در بیستم شهریورماه ۱۳۹۰ همزمان با پیوستن نیروگاه هسته‌ای بوشهر به شبکه برق کشور، در تهران به ریاست علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه ایران و سرگئی اشماتکو، وزیر وقت انرژی فدراسیون روسیه در تهران برگزار شد.

یکی از مهم‌ترین محورهای پروتکل نهایی دهمین اجلاس کمیسیون مشترک ایران و روسیه شامل انرژی، نفت، گاز، پتروشیمی، برق، آب و منابع تجدیدپذیر انرژی بود<sup>۱</sup> (نک: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)). نشست مذکور، توان جدیدی را به حوزه مبادلات تجاری و بازرگانی دو کشور تزریق کرده، زمینه‌ساز تحول نوینی در حوزه همکاری‌های اقتصادی دو همسایه خواهد بود. مهم‌ترین دستاورد این نشست‌ها، توافقات دولتی است که زمینه لازم را برای سرعت بخشیدن به تحرک بخش‌های دولتی و خصوصی به منظور تعمیق همکاری‌های تجاری فراهم می‌کند.

به موازات این ابراز تمایل به همکاری، شرکت زاروبژنفت که صد درصد سهام آن متعلق به دولت روسیه است، درباره فشارهای آمریکا و غرب علیه تهران نگرانی ندارد و برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران ابراز تمایل کرده است. به گفته میخائیل لوشینی، تحلیلگر موسسه روسی آر بی چی ریسرچ، بیشتر شرکت‌های نفت و گاز روسیه خواهان حضور و سرمایه‌گذاری در چنین طرح‌هایی هستند (نک: [www.iras.ir](http://www.iras.ir)). احتمال می‌رود ایران قوانین قراردادهای نفتی خود را تغییر دهد و به جای قراردادهای ارائه خدمات، قراردادهای مشارکتی با این شرکت‌ها امضا کند.

ایران، همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند به دنبال یک روسیه قدرتمند است. روسیه‌ای مستقل و قدرتمند در کنار ایرانی مقتدر و سرافراز، با توجه به تعامل با کشورهای قدرتمند جدیدی همانند چین، هند و برزیل و دیگر کشورهای امریکای لاتین، بدون شک امکانات جدید برای ایجاد هم‌افزایی را در نظام بین‌الملل پدید خواهند آورد. متأسفانه مقامات روسیه همواره از قدرتیابی ایران بیمناک بوده‌اند. آنان شکل‌گیری ایران قدرتمند نظامی، سیاسی و استراتژیک را نمادی از تهدید علیه خود می‌دانند. بنابراین طبیعی است که با قدرتیابی ایران مخالفت نمایند. یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است. چرا که در چارچوب منطق واقع‌گرایی در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک، روسیه گزینه نخست را بر خواهد گزید.

<sup>۲</sup> محورهای دیگر این سند؛ استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، بازرگانی، گمرک، نمایشگاه‌های تجاری، همکاری اتاق‌های بازرگانی، حمل و نقل زمینی، هوایی، جاده‌ای، ریلی، دریایی، همکاری‌های قضایی، ارتباطات، مخابرات، کشاورزی، استاندارد، فرهنگ و گردشگری، محیط‌زیست، همکاری‌های علمی، آموزشی، پزشکی، فناوری، همکاری‌های استانی، صنعت و معدن بود.

برای روسیه، بهترین گزینه، تداوم وضعیت خاکستری به معنی به طول انجامیدن بحران و حفظ موقعیت میانه به منظور کسب بیشترین منافع از طرف های درگیر است. مشخص است که این ارزیابی به مفهوم تلاش برای کاهش یا ارتقای کاذب جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و غفلت از نقش آن در بحران هسته‌ای نیست. بلکه هدف، ارائه تحلیلی واقع‌گرا از مواضع و دیدگاه‌های بازیگری عمده در صحنه سیاست خارجی ایران است. جمهوری اسلامی ایران حتی در صورت عادی‌سازی روابط با غرب، بایستی بر حفظ و توسعه روابط با روسیه که حضوری موثر در قالب موضوعات سیاست خارجی ایران دارد، همت گمارد. به دیگر سخن؛ ایران خود را در شرایطی قرار داده که امکان تغییر موضع را از خود سلب کرده است. ایران می‌تواند در همان حالی که با روسیه کار می‌کند به روسیه نشان دهد که در دوران رقابتی کنونی، ایران قادر است قاعده بازی را تغییر دهد و به سمتی برود که روابط جدیدی را با سایر کشورها از جمله هند، ژاپن، اتحادیه اروپا و حتی آمریکا، برقرار نماید.

### منابع و مآخذ

- آذری، مصطفی و اصغر بالیسنی (۱۳۸۸)، *رویکرد اقتصادی به روابط ایران و روسیه*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۹)؛ "چرا باید با روسیه کجدار و مریز رفتار کرد؟"، انتشار ۸۹/۱/۴، (بازدید در: ۱۳۹۱/۴/۲۲)، قابل دسترسی در: <http://www.khabaronline.ir/detail/52072/>.
- امیری، مهدی، "روابط دفاعی ایران و روسیه و تأثیرات آن بر امنیت منطقه"، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸.

- اوجی، جواد (۱۳۹۰)، سخنرانی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در "همایش نقش ایران در تامین امنیت انرژی جهان"، انتشار ۹۰/۱/۲۷، (بازدید در ۱۳۹۱/۴/۲۲)، قابل دسترسی در:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum/100841082018/>.

- ایراس: موسسه مطالعات ایران اوراسیا (۱۳۹۱)، "دهمین نشست کمیسیون همکاری‌های مشترک روسیه و ایران؛ زمینه‌ساز تحولی‌نوینی در حوزه همکاری‌های اقتصادی"، (بازدید در: ۱۳۹۱/۱۲/۱۳)، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/vdchzمني.23nqxdfdt2.html>

- بی‌نا (۱۳۹۰)، «شترنج روابط روسیه و ایران از نگاه خبرگزاری فرانسه»، (بازدید در: ۱۳۹۰/۱۱/۱۸)، قابل دسترسی در:

<http://www.rusna.ir/>.

- جعفری، علی‌اکبر و رویا میرجلالی (۱۳۸۹)، "مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران"، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۵۱، پاییز.

- حسینی، سید احمد (۱۳۸۵)، "بررسی امکان تعامل ایران و روسیه درخصوص مسایل خاورمیانه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۵۳، بهار.

- حقوقی، محمد و یدالله دهقان (۱۳۹۰)، "بررسی عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه"، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)، شماره ۳۵، مهر و آبان.

- خاکی فیروز، مهدی (۱۳۸۸)، "تابوت روسی برای مسافران ایرانی"، انتشار ۸۸/۴/۲۶، (بازدید در: ۱۳۹۱/۲/۱۷)، قابل دسترسی در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/12832/>.

- خبرگزاری فارس (۱۳۹۱)، "یادداشت تفاهم دهمین نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و روسیه"، (بازدید در: ۱۳۹۱/۱۲/۱۳)، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911124001205/>.

- داداندیش، پروین (۱۳۸۶)، "گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، بهار.

- رفیع، حسین و پیمان جعفری تهرانی و روح الله تقی نژاد (۱۳۹۰)، "انگیزه‌ها و بازدارنده‌های برجسته در مجموعه امنیتی منطقه‌ای دریای خزر"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۵، زمستان.

- رنجبر، جواد (۱۳۸۳)، "روسیه و ایران؛ روابط بر بستر میراث فناوری"، کتابخانه دیجیتالی دید، ۱ خرداد.



- سوبه‌اش، کاپیلا(۱۳۸۸)، "بررسی جایگاه استراتژیک ایران در میان سه کشور روسیه، چین و هند"، همشهری دیپلماتیک، سال سیزدهم، شماره ۴۴، ۲۷ فروردین.
- سیمبر، رضا و محمد گل افروز(۱۳۸۸)، "فرصت‌های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی؛ وضعیت فعلی و چشم‌انداز"، راهبرد یاس، شماره ۱۹، پاییز.
- شوری، محمود(۱۳۸۷)، "ساختار گفتمانی مرحله جدید در روابط ایران و روسیه"، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷، بهار.
- شوری، محمود (۱۳۸۸)، "روسیه، آمریکا و مسئله ایران"، (بازدید در: ۱۳/۱۱/۱۳۹۰)، قابل دسترسی در: <http://www.armandaily.ir/>.
- شوری، محمود(۱۳۸۸)، سخنرانی مدیر گروه مطالعات اوراسیا مرکز تحقیقات استراتژیک، در نشست «ایران، روسیه و غرب» در تاریخ ۸۸/۲/۲۹، (بازدید در: ۱۳۹۱/۴/۲۲)، قابل دسترسی در: <http://www.csr.ir/Center.aspx?lng/fa&subid/-1&cntid/1892>.
- صفرنژاد، داریوش(۱۳۸۷)، "تقابل گازی آمریکا بر ایران و روسیه"، ماهنامه تجهیزات صنعت نفت، شماره ۴۷، فروردین.
- عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی(۱۳۹۰)، "زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک"، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان.
- فریدمن، رابرت(۱۳۸۶)، گورباچف و جنگ ایران-عراق، ترجمه الهه کولایی، تهران: میزان.
- فولر، گراهام(۱۳۶۳)، ایران قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کاتم، ریچارد(۱۳۸۶)، واکنش‌های آمریکا و اتحاد شوروی به ستیزه‌جویی‌های اسلام سیاسی در ایران، ترجمه ابراهیم متقی، تهران: انتشارات میزان.
- کارپیچ، الکساندر ویلی نوویچ (۱۳۹۰)، "وضعیت و دورنمای همکاری‌های تجاری-اقتصادی ایران و روسیه"، مجله خبری-تحلیلی روسی «ایران معاصر»، شماره ۱، اکتبر - دسامبر ۲۰۱۰.
- کرمی، جهانگیر(۱۳۸۸)، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کریمی زارچی، مجتبی (۱۳۹۰)، "ذخایر جدید گازی آمریکا به جنگ روسیه و ایران آمده است؟"، ماهنامه گستره انرژی، سال پنجم، شماره ۵۱-۵۲، مرداد.
- کولایی، الهه(۱۳۸۷)، "ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز" دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۱، زمستان و بهار.

- گلچین پور، مونا (۱۳۹۱)؛ "ذخایر گاز طبیعی جهان"، *تارنمای شانا* (شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی)؛ اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، سه شنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۱، (بازدید در ۱۳۹۱/۱۱/۱۷)، قابل دسترسی در:

<http://www.shana.ir/refinement-fa.html>.

- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، "روسیه و برنامه هسته‌ای ایران"، *باشگاه اندیشه*، (بازدید در ۱۳۹۱/۴/۲۲)، قابل دسترسی در:

<http://www.bashgah.net/pages-199>.

- منتظری، حمیدرضا (۱۳۸۳)، "موانع و زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه"، *هفته‌نامه منشور*، ۵، ضمیمه رسالت ۴.  
- هرمان، ریچارد (۱۳۸۶)، *نقش ایران در ادراکات و سیاست‌های اتحاد شوروی ۱۸ - ۱۹۴۶*، ترجمه الهه کولایی، تهران: میزان.

- Ayoob, Mohammad (2002), "South- Western after the Taliban", *Survival*, Vol.44, No.1.
- Cennady, Chutrin (1999), *Russia and Asia: The Emerging Security Agenda*, Oxford University Press.
- Florence C. Fee(2003), " Russian and Iranian Gas And Future US Energy Security", *MEES*, Vol. XLVI, No 31, 15 September.
- Herzig, Edmund (2001), "Iran and Central Adia", *Central Asian Security: The New International Context*, Roy Allison and Lena Jonson, Editors, Royal Institute of International Affairs.
- Freedman, Robert (2000), "Russian- Iranian relations in the 1990", *Middle East Review of International Affairs*, Vol.4, No.2, June.
- Habibi, Nader (2012); "The Cost of Economic Sanctions on Major Exporters to Iran", Available at: <http://www.payvand.com/news/06/may/1046.html>. Accessed on: 2012/08/17.
- Karami, Jahangir (2011); "Iran-Russia Relations: Expectations and Realities", *Discourse: An Iranian Quarterly*, Vol. 9, No. 3-4, Fall 2010-Winter.
- Katzman, Kenneth (2001), "Iran: Arms and Technology Acquisitions", *Congressional Research Service*.
- Katz, Mark N. (2008), "Russian-Iranian Relations in the Ahmadinejad Era," Available at: <http://www.wilsoncenter.org> , February 29, 2008. Accessed on: 2010/02/17.
- Rivlin, Paul (2005); "The Russian Economy and Arms Exports to the Middle East", *Memorandum*, No.79.
- Saxton, Jim (2010), "*Iran's Oil and Gag Wealth*", Available at: <http://www.house.gov/jec/studies/rr109-31.pdf>. Accessed on: 2011/08/11.

- Shakoor, Abdul (1995), "Central Asia: The US Interested Perception and Its Security Policies", *Eurasia Studies*, Vol. 2.
- Smith, Mark A.(2002), "The Russo-Iranian Relationship", *Conflict Studies Research Centre*, 1 August. Available at:  
<http://www.da.mod.uk/CSRC/documents/Russian/OB93>. Accessed on: 2012/01/14.
- The Information and Statistics in this Article is Taken from the U.S Department of Energy Website Brief on Iran Available at:  
<http://www.eia.doe.gov/cabs/iran.html>.
- The Global Security website:  
<http://www.globalsecurity.org/wmd/world/iran/bushehr.htm>.
- Follow Webs:  
-<http://www.snn.ir/NSite/FullStory/News/?id=164208&Serv=8&SGr=165>.  
<http://www.bashgah.net/fa/content/show/35807>.  
and [http://www.bp.com/assets/bp\\_internet/globalbp/globalbp](http://www.bp.com/assets/bp_internet/globalbp/globalbp) and it's Report.
- Defense & Security Issues, Available at:  
<http://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iran/2011/iran-100625-voa01.htm>. en Iran & Russia, Gas Resources.